

با اسب چوبین کلمات

(تأملات)

داوود ملکی



انتشارات نیاورم

سرشناسه
عنوان و نام پدیدآور : ملکي، داوود، ۱۳۳۴ -
مشخصات نشر : [تهران] نيلوفر، ۱۳۸۶.
مشخصات ظاهري : ۱۵۹ ص.
شابک : 978-964-448-368-4
وضعيت فهرست‌نویسی : فیا
موضوع : قطعه‌های ادبی.
موضوع : نثر فارسی - قرن ۱۴.
رده‌بندی کنگره : ۱۳۸۶ ب ۲ ۷۵۶۷ / ج ۲۲۳ PIR
رده‌بندی دیویی : ۸۵۸ / ۷۶۲
شماره کتابشناسی ملی : ۱۱۴۵۲۱۶



انستیتوت ملی اسناد و کتابخانه ملی
خیابان انقلاب، خیابان دانشگاه، تلفن : ۶۶۴۶۱۱۷

با اسب چوبین کلمات

داوود ملکي

چاپ اول: بهار ۱۳۸۷

حروفچینی: شبستری

چاپ گلشن

شمارگان: ۱۶۵۰ نسخه

حق چاپ محفوظ است.

شابک ۹۷۸-۹۶۴-۴۴۸-۳۶۸-۴

سخنی کوتاه دربارهٔ این مجموعه

تا پایانِ قرونِ وسطی تشابهاتِ نسبتاً زیادی بین ساختارِ نظام اجتماعی، مسیرِ تحولاتِ فرهنگی، شیوهٔ زندگی و نحوهٔ تفکر انسان در شرق و غرب دیده می‌شود. نخست پس از این دورهٔ تاریخی است که راه این دو بخش جهان از هم جدا می‌شود؛ درحالی که تحولاتِ اجتماعی و فرهنگی ابتدا در اثر پیداییِ رنسانس و سپس در پی انقلاب فرانسه چهرهٔ اروپا را بکلی دگرگون می‌کند، در شرق — و از جمله در ایران — آثار قرونِ وسطی همچنان در همهٔ شئون اجتماعی پایدار می‌ماند.

ابتدا در نیمهٔ نخستِ سدهٔ نوزدهم دوره‌ای نوین آغاز می‌شود، یعنی غرب تحولاتی را در شرق موجب می‌گردد که بی‌سابقه است. این تحولات در ایران نیز ابتدا سبب دگرگونی‌های سطحی و سپس در پایانِ سدهٔ نوزدهم موجب تغییراتی عمده می‌شود. انقلاب مشروطیت تنها تحولات اجتماعی را پدید نمی‌آورد، بلکه دگرگونی‌های بزرگ فرهنگی را موجب می‌شود، از جمله تحولاتی در زمینهٔ ادبیات. شاعران و نویسندگانِ سدهٔ پیش کم‌کم دست از خیال‌پردازی‌های افراطیِ خویش برمی‌دارند و به اصلی توجه می‌کنند که سبب پیشرفت‌های بزرگِ غرب شده بود؛ خردگرایی. اما پانهادن در راه

به معنی رسیدن به مقصد نیست، همچنانکه ما در این مسیر هنوز در مراحل نخستین هستیم.

پدیدآورنده این مجموعه — که نام زیر عنوان آن را بدرستی «تأملات» گذاشته است — انسانی است خردگرا و ژرف‌نگر. او سخنِ دکارت را عمیقاً پذیرفته است که «می‌اندیشم، پس هستم.» داوود ملکی طبیعتی کنجکاو، چشم و گوش‌ی باز و ذهنی تحلیل‌گر دارد. اما چون می‌داند که «پای استدلالیان چوبین بود»، کوششی هم برای اثبات گفته‌های خویش نمی‌کند. کوشش او در مسیر دیگری است: وادار کردن خواننده به اندیشیدن، ملکی، نکته‌سنج، نکته‌یاب و نکته‌پرداز است. او نه تنها پُر حرفی نمی‌کند، بلکه بسیار فشرده و موجز سخن می‌گوید، زیرا بخوبی می‌داند که «لاف از سخنِ چو دُرّ توان زد/ آن خشت بود که پُر توان زد.» افزون بر این آگاه است که در بطنِ «اسب چوبین» جای زیادی برای واژه‌ها نیست!

زبانِ ملکی پیچیده و معماوار نیست، ساده و بی‌پیرایه است. با آنکه به کار بردن چنین زبانی برای انتقالِ اندیشه‌های ژرفِ چندان آسان نیست، اما او خوشبختانه در بیشتر موارد — به ویژه در نیمهٔ نخستِ مجموعه — با چیره‌دستی از عهدهٔ این مهم برمی‌آید.

از ویژگی‌های دیگر ملکی، پدید آوردنِ فضایی است که اگرچه در وهلهٔ نخست اندکی شگفت می‌نماید، اما پذیرفتنی و حتی جذاب است. — و این اتفاق معمولاً هنگامی روی می‌دهد که ملکی از چاشنیِ تخیل نیز بهره می‌گیرد. ویژگی دیگر پاره‌ای از قطعه‌های این مجموعه، طنزی است که در آن‌ها به چشم می‌خورد، طنزی نسبتاً تلخ و گاهگاه مستور، طنزی به شیوهٔ صادق هدایت و بهرام صادقی. گمان می‌کنم بجا باشد در این مورد توضیحی کوتاه بدهم.

طنز، هنرِ ظریفی است؛ اگر به اندازهٔ کافی جدی گرفته نشود، به اثری

مضحک و «نخ‌نما» و اگر بیش از حد جدی گرفته شود، به هجو تبدیل می‌شود. از سوی دیگر باید توجه کرد که بین طنز و لطیفه فاصله، کم نیست: لطیفه زمینه‌ای عاطفی دارد و طنز زمینه‌ای ذهنی. اما ذهنِ طنزپرداز ذهنی است، طغیانگر؛ و شگفت آنکه وسیلهٔ طنزنویس برای بیانِ خشم خود، نیشخند است، نیشخندی عصبی و بغض‌آلود. اگر لطیفه، نشان‌دهندهٔ تناسب و تعادل است، طنز، بیانگرِ تناقض و تضاد است. طنزی که در قطعه‌های این کتاب دیده می‌شود، از این دست است.

آرزو می‌کنم داوود ملکی به کار ارزندهٔ خود ادامه دهد و ما را از این پس نیز با «تأملاتش» به تفکر و تأمل دربارهٔ جهان، انسان و سرنوشت او وادار کند.

تورج رهنما

آبان ۱۳۸۶